



مدرسه نمونه ای برای کودکان نابینا

علوم اجتماعی :: پیام یونسکو :: شهریور 1362 - شماره 160

از 29 تا 29

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/919122>

دانلود شده توسط : عمومی user2314

تاریخ دانلود : 16/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مدرسه نمونه‌ای برای کودکان نابینا

ده سال پیش در شهر کوچک بارگور در جنوب هند مدرسه‌ای برای کودکان نابینا افتتاح شد. زندگی در این بخش هند دشوار است، اکثر مردم بسیار فقیرند، و زندگی برای اغلب آنها مبارزه‌ای است برای زنده ماندن. در آنجا هیچ صنعتی وجود ندارد، زمین کشاورزی محدود است، و محصولات کشاورزی در بسیاری موارد در اثر سیل یا خشکسالی از بین می‌رود. این شرایط منجر به فقر، بیماری و سوء تغذیه می‌شود.

در این قسمت هند موارد نابینایی بسیار زیاد به چشم می‌خورد، خاصه در میان کودکان. والدین چنین کودکانی دست و پایشان بسته است، و کوری فرزند باری است اضافی بردوش خانواده. در گذشته امکاناتی برای کمک و راهنمایی نابینایان موجود نبود و این افراد غالباً با خرافات، تبعیض و وحشت از جانب دیگران مواجه می‌شدند. اگر تلاشی پیگیر زنی که مال‌اندیشی و آرزوهای دگرگونی فاحشی پدید آورد نبود، احتمالاً وضع به منوال گذشته باقی می‌ماند. این زن در نزدیکی خانه خود غالباً پدر و مادرائی را می‌دید که کودکان نابینای خود را به معبد محلی می‌برند و شفا می‌خواهند. یک روز، هنگام رفتن به معبد، او ناگهان تصمیم گرفت که باید به نوعی به این مردم تیره‌روز کمک کند. وی برحسب اتفاق نماینده یک سازمان بین‌المللی به نام

Christophel Blindenmission را که مقر آن در جمهوری فدرال آلمان بود، ملاقات کرد و از او در این مورد کمک خواست.

پس از یک رشته مذاکرات طولانی، این زن سایر افراد اجتماع محلی را تشویق و ترغیب که با همکاری نزدیک سازمان بین‌المللی فوق مدرسه‌ای برای نابینایان به وجود بیاورند. با این وجود، مسئولان این طرح مصمم بودند مدرسه‌ای نسازند که دست آخر محافظه‌کار از آن دریابند. دانش مدرسه‌ای به تنهایی برای تجهیز کودکان نابینا در برابر مشکلات کافی نبود. این کودکان برای این که بتوانند روی پای خود بایستند، می‌بایست مهارت‌های دیگری نیز بیاموزند.

در نتیجه، مسئولان طرح تصمیم گرفتند مدرسه «بارگور» را «مدرسه‌ای برای زندگی» کنند، و برنامه درسی عادی آن برای کودکان نابینا از طریق اجرای چند پروژه سودمند و عملی توسعه داده شد و غنای خاصی یافت.

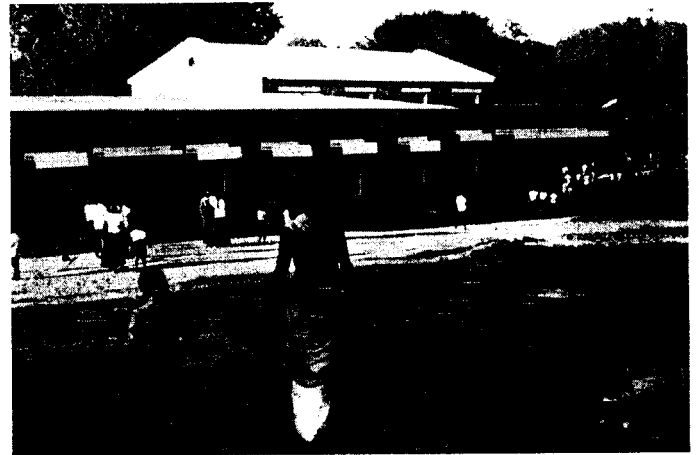
از روز ورود به مدرسه، به‌ر دانش‌آموز کمک می‌شود تا استقلال داشته باشد. طبیعی است که سه اصل اساسی آموزش و پرورش مراعات می‌شود، به‌طوری که کودک خواندن و نوشتن به‌زبان بریل و کلیات حساب را فرا می‌گیرد. هم‌زمان، مهارت‌های گوناگونی که به کارهای روزمره مربوط می‌شود بدانها آموخته می‌شود، از جمله کارهای بسیار ساده از قبیل نحوه لباس پوشیدن، غذا پختن، لباس شستن، آتوکنشی، خیاطی و بافندگی، و همچنین تحرک و سمت داشتن و طبقی از مهارت‌های ماقبل حرفه‌ای.

کوشش بسیار می‌شود تا کودکان از خانه‌های خود جدا نشوند. با توجه به این مسأله که والدین این کودکان غالباً بیش از خود آنها به کمک احتیاج دارند، مددکار اجتماعی به‌طور منظم به‌خانه آنها سر می‌زند، و والدین به‌مدرسه دعوت می‌شوند. در طول تعطیلات مدرسه، همه کودکان باید به‌خانه‌های خود باز گردند. اولیاء مدرسه در عین حال کودکان را تشویق می‌کنند که در تعطیلات آخر هفته به خانواده‌های خود و به‌دوستانی که در نزدیکیهای مدرسه زندگی می‌کنند سر بزنند. خدمات مدرسه در زمینه مشاوره حتی به نابینایانی که دیگر در سن مدرسه نیستند نیز تعمیم داده شده، و بنا به برنامه‌ریزی‌هایی که شده قرار است درس‌های ویژه‌ای در زمینه صنایع دستی برای این قبیل افراد در آینده تربیت داده شود.

هنگامی که مدرسه در سال ۱۹۷۳ بازگشایی شد. چهل و دو در سال ۱۹۷۹، با افزودن یک پانسیون و دو کلاس درس دیگر، تعداد دانش‌آموزان تقریباً به یکصد نفر رسید.

یکی از بزرگترین مشکلات، استخدام و تربیت پرسنل خوب بود. کمیته مدیریت تصمیم گرفت هیچ‌یک از معلمان را به‌خارج نفرستد و در عوض برنامه‌ای را در زمینه تربیت معلم در حین خدمت در مدرسه به‌مرحله اجرا گذاشت. بدین‌منظور از یک آموزگار آلمانی، که در زمینه آموزش نابینایان تجربه داشت، دعوت به‌عمل آمد و تحت راهنمایی‌های او تقریباً به‌بیست معلم کمک شد تا با روش‌های مدرن تدریس نابینایان آشنا شوند.

مدارس شبانه‌روزی اغلب برای کودکان اشکالاتی به‌وجود می‌آورد. و کمیته بارگور کوشیده است تا این قبیل مشکلات در مدرسه آنها وجود نداشته باشد. تاکنون چندین نفر از کسانی که از این مدرسه بازدید به‌عمل آورده‌اند از جو شاد و سرزنده حاکم بر آنجا سخن گفته‌اند، و این نشان می‌دهد که حتی در شرایطی بس ساده کودکان می‌توانند رشد کنند و به‌جوانان شاد و سرزنده‌ای بدل شوند.



مدرسه نابینایان در بارگور، شهر کوچکی در جنوب هند.



پدران و مادران تشویق می‌شوند تا هر چه بیشتر به مدرسه سر بزنند. آرنه، که علاوه بر کوری چند نقص عضو دیگر نیز دارد، باید مورد مراقبت ویژه باشد و مادر او، که در همان نزدیکیها زندگی می‌کند، تقریباً هر بعد از ظهر برای بازی با او به مدرسه می‌آید.



در مدرسه بارگور، به پسران نیز مانند دختران تعمیر لباس و دوختی دگمه آموخته می‌شود. این پسران در صورتی که بخواهند، می‌توانند به آموزش خود ادامه داده، کارهای سوزن‌دوزی دقیق را فراگیرند.

عکسهای فوق از یکی از مجموعه‌های نمایش اسلاید یونسکو اقتباس شده است که نشانگر روش‌های خوب آموزش کودکان معلول است. این اسلایدها و متون مربوط بدان توسط «واحد آموزش استثنایی» یونسکو در پاریس تهیه شده است.